

بازتبیین نقش تربیتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت، با تأکید بر شیوه‌های هدایت و تربیت

مینا سادات حسینی خانقاهی^۱

چکیده

از منظر شیعه، امام معصوم به عنوان جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تمامی وظایف پیامبر، به جز دریافت وحی را برعهده دارد. از جمله مهم‌ترین وظایف امام می‌توان به هدایت‌گری، مرجعیت علمی و تعلیم و تربیت معنوی جامعه اشاره کرد. امام معصوم در مقام انسان کامل، دارای نقش تکوینی در هدایت و رساندن مؤمنان به کمال است و نور هدایت او در قلوب مؤمنان جریان دارد. به عنوان سوال اساسی این نکته مطرح است که وظایف امام، بخصوص تربیت مؤمنان در عصر غیبت چگونه انجام می‌شود؟ در مقاله حاضر این مطلب تبیین شده است که در عصر غیبت، اگرچه امام به صورت ظاهری در دسترس نیست؛ حضور باطنی دارد و وظایف غیرظاهری او همچنان مستمر است. نقش تربیتی امام زمان در عصر غیبت را می‌توان در هدایت تکوینی و باطنی، هدایت مؤمنان در بستر ابتلائات الهی، هدایت از طریق نظام نیابت و واسطه، عنایات ویژه و تقویت فرهنگ انتظار فرج بررسی کرد. این مقاله بر اساس روش توصیفی-تحلیلی نگارش شده است.

واژه‌گاه کلیدی: مهدویت، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تربیت، هدایت، عصر غیبت.

از دیدگاه شیعه وجود امام معصوم پس از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به عنوان نوعی ضرورت نقلی و عقلی مطرح است. شیعه معتقد است که مسیر هدایت پس از پیامبر به دست امام معصوم است و از آن جا که جامعه و مردم همواره به هدایت نیاز دارند، همیشه به وجود امام معصوم نیاز می باشد.^۱ همچنین تنها فردی که برپاکننده عدالت واقعی می باشد، امام معصوم است. او با برخورداری از نَفَس پاک و همچنین علم الهی نسبت به مفساد و مصالح افراد و جامعه، شرایط لازم را برای ایجاد عدالت عمومی و واقعی دارا می باشد. همین مسئله به عنوان یکی از بشارت های زمان ظهور امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام نیز در روایات مطرح شده است.^۲

امام در دو ساحت هدایت تکوینی و هدایت تشریعی، به هدایت جامعه و افراد می پردازد و با تربیت افراد در رشد آن ها به سمت کمالات سعی و اهتمام می ورزد. امام معصوم در ابعاد مختلف فکری، اعتقادی، عملی، اخلاقی و اجتماعی به تربیت افراد جامعه می پردازد و نقش محوری و اساسی را در رسانیدن افراد به قله های کمال و تقوا ایفا می کند. البته نقش امام معصوم به این موارد محدود نمی شود، بلکه او با به نمایش گذاشتن نمونه انسان کامل، مردم را در مسیر صحیح تربیت می کند و هدایتگر معنوی و اخلاقی جامعه می باشد؛^۳ اما تلاقی این وظایف با عصر غیبت امام معصوم ممکن است سؤالاتی را ایجاد کند و این اندیشه شیعی را به چالش بکشد: چگونه امام می تواند نقش هدایت گری و تربیتی خود را ایفا کند، درحالی که از نظر ظاهری در جامعه و دسترس مردم حضور ندارد؟ چگونه با وجود این که امام از نظر ظاهری در جامعه غایب است، بر قلوب و عقائد امت تأثیر می گذارد؟ نقش تربیتی امام معصوم در عصر غیبت چگونه است و به چه صورت تربیت افراد و جامعه صورت می گیرد؟ در این مقاله سعی شده است با استفاده از روش

۱. صفار، بصائر الدرجات، ص ۲۹-۳۱.

۲. طوسی، الغیبه، ص ۷۹.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۹۸.

توصیفی - تحلیلی، ضمن تبیین برخی وظایف امام، شیوه تربیتی امام معصوم در عصر غیبت مورد بررسی قرار بگیرد.

در خصوص غیبت امام زمان و وظایف امام، کتاب‌ها و مقالات مختلفی نگارش شده که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. سید حسین حسینی و سیده آمنه حسینی (۱۴۰)، مقاله‌ای با عنوان «آثار تربیتی غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف» نگاشته‌اند. در این مقاله آثار تربیتی امام در دو عرصه آثار فردی و آثار اجتماعی بررسی شده است. در این مقاله برخی آثار فردی مانند خودسازی، به یاد امام بودن و ... و آثار اجتماعی مانند ظلم ستیزی، آماده جهادبودن و ... تبیین شده است.

۲. روح‌الله استیری، (۱۴۰۳)، با نگارش مقاله «هدایت معنوی امامت در کلام امام حسین عجل الله تعالی فرجه الشریف و تحقق آن در عصر غیبت»، به تبیین شئون امامت، به ویژه شأن هدایت معنوی و تزکیه نفوس پرداخته و تحقق آن را در عصر غیبت بررسی کرده است.

۳. زهره صادقی (۱۳۹۲)، مقاله‌ای با عنوان «فواید و آثار وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت» را به رشته تحریر درآورده و در آن به بررسی علل غیبت حضرت و همچنین فواید و آثار وجود حضرت در دوره غیبت پرداخته است.

هرچند تلاش این محققان شایسته و درخور سپاس است؛ مقاله پیش‌رو با بررسی وظایف امامت در دوران غیبت و شیوه‌های تربیت حضرت در دوران غیبت، این مطلب را تبیین می‌کند که وظایف امامت در دوران غیبت تعطیل نشده است، بلکه به شیوه‌های مختلف انجام می‌شود. تفاوت این پژوهش با دیگر پژوهش‌ها در تبیین چگونگی و شیوه نقش تربیتی امام عصر در زمان غیبت است.

جایگاه تربیتی امام در اندیشه شیعی

از دیدگاه شیعه، امام به عنوان خلیفه الهی و جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد و بعد از

رسول اکرم ﷺ تمامی وظایف پیامبر را بر عهده خواهد داشت. تنها تفاوتی که امام معصوم با پیامبر دارد، دریافت نکردن وحی تشریعی می‌باشد.^۱ از جمله وظایفی که امام معصوم همانند پیامبر عهده‌دار است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

(الف) هدایت‌گری: امام معصوم به عنوان انسان کامل و خلیفه خداوند بر روی زمین، صفات خداوند را در خود تجلی داده است. هرکاری که از خداوند متعال به صورت استقلالی برمی‌آید، از امام معصوم نیز به صورت تبعی برمی‌آید؛ چنان‌که از عبارت «لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَخَلْقُكَ» در دعای رجبیه، این مطلب به خوبی استنباط می‌شود.^۲ یکی از این صفات امام، هادی بودن امام معصوم می‌باشد. قرآن کریم همواره ذکر امامت را با وصف هدایت‌گری همراه ساخته است و از امام به عنوان شخصی یاد شده که هادی است. خداوند در مورد ذریّه حضرت ابراهیم علیه السلام می‌فرماید: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ»^۳؛ و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می‌کردند، و انجام دادن کارهای نیک و برپا داشتن نماز و پرداخت زکات را به آنان وحی کردیم، و آنان فقط پرستش‌کنندگان ما بودند.» اگر چه هدایت، به دو معنای ارائه طریق و ایصال به مطلوب می‌باشد؛^۴ در این آیات، مراد از هدایت، ایصال به مطلوب است. هدایت به معنای ارائه طریق از شئون نبوت است و همچنین تمامی مؤمنان می‌توانند به وسیله موعظه و ... این نوع هدایت را انجام بدهند. لذا چنین وصفی نمی‌تواند به عنوان صفت ممتاز و خاص امام معصوم باشد.^۵ بر این اساس، می‌توان گفت هدایت و رساندن مؤمنان به مقصد و کمالات از ویژگی‌های

۱. سبحانی، محاضرات فی الالهیات، ص ۱۶۶.

۲. سید بن طاووس، الاقبال بالاعمال الحسنة، ج ۳، ص ۲۱۴.

۳. انبیاء: ۷۳.

۴. حلی، منهاج الکرامه فی معرفه الامامه، ص ۳۱۸.

۵. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۷۲.

امام معصوم است. در روایات متعددی نیز به این مسئله اشاره شده که نور امام در قلوب مؤمنان قرار دارد و قلب آنان را نورانی می‌کند.^۱ در حقیقت این هدایت به برخی از انسان‌ها مربوط می‌باشد که زمینه پذیرش آن را در خود ایجاد کرده باشند.

ب) مرجعیت علمی و تعلیم: قرآن کریم یکی از وظایف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را تبیین دین و معارف قرآن کریم عنوان می‌کند. خداوند در سوره نحل می‌فرماید: ﴿... وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾^۲؛ و قرآن را هم به سوی تو نازل کردیم، به خاطر این که برای مردم، آنچه را برای هدایتشان به سویشان نازل شده است، بیان کنی و برای این که [در پیامبری تو و آنچه را به حق نازل شده] بیندیشند. در حقیقت یکی از وظایف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پاسخ به نیازهای علمی و مسائل پیش آمده در جامعه می‌باشد. با توجه به این که این نیاز در زمان بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز مطرح بوده است و مسائل جدیدی برای جامعه اسلامی و مسلمانان رخ می‌داد؛ این سوال مطرح می‌شود که مرجعیت علمی و تعلیم جامعه برعهده چه کسی است؟ آیا خداوند بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کسی را به عنوان مرجع علمی و معلّم معارف و مسائل دین انتخاب نکرده؛ یا این که در زمان بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز این مسئولیت بر عهده افرادی بوده است؟ با توجه به حکمت خداوند متعال نمی‌توان قبول کرد که بعد از زمان پیامبر، شخصی به عنوان مرجع دینی و علمی از طرف خداوند انتخاب نشده باشد؛ چرا که در این صورت، جامعه از لحاظ یادگیری معارف الهی و احکام مرتبط با مسائل پیش آمده، به مشکل دچار می‌شود.^۳ بر همین اساس، اهل بیت علیهم السلام همواره خود را به عنوان مراجع دینی و مفسّران قرآن کریم به مردم معرفی می‌کردند.^۴ بنابراین، یکی از وظایف امامان معصوم مرجعیت علمی و تعلیم جامعه است.

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۹۴-۱۹۶.

۲. نحل: ۴۴.

۳. سبحانی، محاضرات فی الالهیات، ص ۳۲۲.

۴. بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۴۲۳-۴۲۹.

ج) تزکیه: در آیات قرآن، یکی از وظایف پیامبر عنوان معرفی شده است.^۱ اهل بیت نیز که جانشینان حضرت هستند، چنین وظیفه‌ای دارند. آنان با سیره عملی و یا در گفتار خود در تزکیه افراد می‌کوشیدند تا استعداد انسان‌ها در راه رسیدن به قرب الهی شکوفا شود. قرآن کریم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به عنوان الگو و اسوه مسلمانان معرفی و آنان را به الگوگیری از پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت کرده است.^۲ اهل بیت علیهم السلام از راه‌های مختلفی در راه تزکیه افراد می‌کوشیدند. گاهی تزکیه افراد جامعه در سایه حکومت اسلامی و وضع قوانین اسلامی اتفاق می‌افتاد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با ایجاد حکومت اسلامی و اجرای قوانین اسلام، در برقراری عدالت عمومی و رشد جامعه سعی و اهتمام داشتند. ایشان با ارج نهادن به قوانین اسلامی در ایجاد یک فرهنگ عمومی و نظم عمومی تلاش داشتند. در مورد اجرای حدود و قوانین الهی ایشان فرمودند: «حَدُّ يَقَامُ فِي الْأَرْضِ أَزْكَى مِنْ عِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةً؛ بر پا شدن يك حد [الهی] در روی زمین، از عبادت شصت سال پاکیزه تر است.»^۳ تزکیه گاهی به وسیله معارف الهی و انتقال آن‌ها در قالب دعا و ادعیه رخ می‌داد؛ چنان‌که امام سجاد علیه السلام از این شیوه استفاده می‌کردند. همچنین در برخی زمان‌ها معصومان علیهم السلام با پرورش اصحاب خود و انتقال اسرار به آنان و معرفی آن‌ها به عنوان صاحب سر خود، به تزکیه این افراد می‌پرداختند. از این افراد می‌توان به کمیل بن زیاد نخعی اشاره کرد که صاحب اسرار امیرالمؤمنین علیه السلام بودند.^۴ گاه نیز ائمه با دستگیری باطنی و هدایت تکوینی افراد، در زمینه هدایت و تزکیه آنان می‌کوشیدند. داستان بشر حافی و هدایت او توسط امام کاظم علیه السلام نمونه‌ای از این نوع تربیت است.^۵

۱. بقره: ۱۲۹.

۲. احزاب: ۲۱.

۳. نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۸، ص ۹.

۴. شوشتری، مجالس المومنین، ج ۲، ص ۱۱.

۵. حلی، منهاج الکرامه فی معرفه الایمان، ص ۵۹.

اما تربیت مؤمنان در عصر غیبت امام معصوم چگونه اتفاق می‌افتد؟ با توجه به این‌که مؤمنان در عصر غیبت از دیدن امام معصوم محروم هستند، آیا این وظیفه امام در عصر غیبت ترک می‌شود و یا این‌که به طریقی دیگر انجام می‌شود؟ برای رسیدن به پاسخ این سوال باید به بررسی مسئله تربیت توسط امام معصوم پرداخت. در ادامه، این مطلب مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تربیت و هدایت از دیدگاه اسلام

واژه «تربیت» مصدر ثلاثی مزید از ریشه «ربو» به معنای «افزایش و زیاده» است.^۱ کلمه «تربیت» مصدر باب تفعیل است که به دلیل معتل ناقص بودن، بر وزن «تفعلة» آمده است؛ مانند تصلیه و تزکیه.^۲ بنابراین، واژه «تربیت» از منظر شامل هرگونه افزایش و زیادتی را شامل می‌شود؛ چه از جنبه مادی باشد و چه از جنبه معنوی.

«تربیت» در اصطلاح برای رشد معنوی و روحی به کار می‌رود. شهید مطهری در مورد اصطلاح تربیت می‌گوید: «تربیت عبارت است از پرورش دادن؛ یعنی استعدادهای درونی‌یی را که بالقوه در يك شیء موجود است به فعلیت در آوردن و پروردن و لهذا تربیت فقط در مورد جاندارها، یعنی گیاه و حیوان و انسان صادق است و اگر این کلمه را در مورد غیر جاندار به کار برده‌ایم، نه این‌که به مفهوم واقعی، آن شیء را پرورش داده‌ایم؛ یعنی يك سنگ و یا يك فلز را نمی‌شود پرورش داد؛ آن‌طور که يك گیاه یا يك حیوان و یا يك انسان را پرورش می‌دهند. این پرورش دادن‌ها به معنای شکوفا کردن استعدادهای درونی آن موجودها است که فقط در مورد موجودهای زنده صادق است.»^۳

بنابراین، منظور از تربیت در این مقاله بیش‌تر به همین معنا و جنبه معنوی و کمالی انسان ناظر می‌باشد.

۱. زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۹، ص ۴۴۳.

۲. طباطبایی، سرف صاده، ص ۱۷۱.

۳. مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۲، ص ۷۱۵.

بر اساس آموزه‌های اسلامی، هدف نهایی تربیت همان تحقق هدایت الاهی در وجود انسان است. انبیا و اولیای الاهی تنها مأمور ابلاغ پیام نبوده‌اند، بلکه وظیفه تربیت و تزکیه انسان‌ها را نیز بر عهده داشته‌اند؛ چنان‌که قرآن درباره رسالت پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»^۱. بنابراین، می‌توان گفت هدایت سمت و سو مقصد حرکت انسان را مشخص و تربیت زمینه تحقق عملی این هدایت را در شخصیت فرد فراهم می‌کند؛ از همین رو، تربیت در اندیشه اسلامی تجلی عینی و تدریجی هدایت الاهی در زندگی انسان است. امامان معصوم ﷺ هم که جانشین خداوند هستند، به همین ترتیب عمل کرده و با هدایت افراد، آنان را تربیت می‌کنند. هدایت الاهی و بالتبع هدایت اهل بیت ﷺ به دو صورت تشریعی و تکوینی صورت می‌پذیرد.^۲ برای تبیین بیش‌تر این مسئله باید این دو اصطلاح را به اختصار شرح داد:

الف) هدایت تشریعی: هدایت تشریعی، همان راهنمایی و ارائه طریق است. خداوند با بیان حلال و حرام و تشریع قوانین، راه رسیدن به سعادت را نشان می‌دهد. در این نوع هدایت، بندگان می‌توانند با اختیار خود این راه را طی کنند و یا نسبت به آن کفران بورزند. آیاتی مانند «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»^۳؛ ما راه را به او نشان دادیم یا سپاس گزار خواهد بود یا ناسپاس.» به این نوع از هدایت ناظر است.

ب) هدایت تکوینی: هدایت تکوینی، به معنای اعطای ابزارهای رسیدن به کمال و رساندن به مقصود می‌باشد. در این نوع هدایت، اختیاری برای افراد وجود ندارد و در برابر آن، کسی نمی‌تواند گمراه شود. البته این نوع هدایت دارای مراتبی است که از آن به «هدایت تکوینی اولیه» و «هدایت تکوینی پاداشی» یاد می‌شود. آیاتی مانند «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ

۱. جمعه: ۲.

۲. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۱۶۷.

۳. انسان: ۳.

هَدَى: ^۱ گفت: پروردگار ما کسی است که به هر موجودی، آفرینش [ویژه] او را [آن گونه که سزاوارش بود] به وی عطا کرده است؛ سپس هدایت کرد: ^۲ «وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ» و هر کس به خدا ایمان بیاورد، خدا قلبش را [به حقایق] راهنمایی می‌کند. به این نوع از هدایت ناظر است.^۳

امام معصوم علیه السلام نیز به عنوان خلیفه الهی در روی زمین، افراد را به دو صورت هدایت می‌کند: هدایت تشریعی و هدایت تکوینی.^۴ بنابراین، می‌توان گفت تربیت امامان نیز به دو صورت انجام می‌گیرد: تربیت ظاهری و تربیت باطنی.

غیبت امام معصوم و تربیت امت

یکی از سوالات و چالش‌هایی که در بحث امامت مطرح است، این که اگر امام معصوم غایب باشد، آیا وظایف امام تعطیل می‌شود؟ در دوره غیبت که امام معصوم غایب است، به چه شیوه‌ای این وظایف انجام می‌شود؟ برای پاسخ به این سوال، ابتدا باید توجه کرد که غیبت امام به چه معناست. آیا وقتی گفته می‌شود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف غایب هستند، به معنای «نبود» ایشان در جامعه است، یا این که معنای دیگری دارد؟

امیرالمؤمنین علیه السلام در بخشی از سخنان خود به کمیل بن زیاد این گونه می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ بَلِّ لَّا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ حُجَّةٍ إِمَامًا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَإِمَامًا خَائِفًا مَغْمُورًا، لِيَلَّا تَبْطُلَ حُجُجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ؛^۵ آری، زمین هیچگاه از حجت قائم خداوند خالی نمی‌ماند؛ خواه آشکار و مشهور باشد، یا ترسان و پنهان از دیده‌ها، تا حجت‌ها و نشانه‌های روشن دین

۱. طه: ۵۰.

۲. تغابن: ۱۱.

۳. جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۱۶، ص ۴۷-۵۰.

۴. طباطبائی، شیعه در اسلام، ص ۱۶۳.

۵. شریف رضی، نهج البلاغه، ص ۴۹۷.

خدا از میان نرود.»

با توجه به این سخن و همچنین روایات فراوانی که با این مضمون در آثار حدیثی موجود است، مشخص می‌شود که همواره امام معصوم بر روی زمین وجود دارد.^۱ بنابراین، غیبت امام معصوم به معنای «نبود» ایشان نمی‌باشد.

امام زمان با وجود این که غایب هستند؛ همواره در جامعه حضور دارند. امام علی علیه السلام در مورد زمان غیبت می‌فرماید:

«فَوَرَبِّ عَلِيٍّ إِنَّ حُجَّتَهَا عَلَيْهَا قَائِمَةٌ مَّاشِيَةٌ فِي طَرَفِهَا دَاخِلَةٌ فِي دُورِهَا وَفُصُورُهَا جَوَالَةٌ فِي شَرْقِ هَذِهِ الْأَرْضِ وَغَرْبِهَا تَسْمَعُ الْكَلَامَ وَتُسَلِّمُ عَلَى الْجَمَاعَةِ تَرَى وَلَا تُرَى إِلَى الْوَقْتِ وَالْوَعْدِ؛^۲ به پروردگار علی سوگند که همان وقت حجت امت بر پا است و در کوچه هایش رفت و آمد می‌کند و به خانه‌ها و کاخ‌های داخل می‌شود و در خاور و باختر به گردش است. سخن مردم را می‌شنود و بر جماعتشان سلام می‌کند. می‌بیند و دیده نمی‌شود تا وقت و وعده اش فرا رسد.»

بنابراین، می‌توان گفت که امام زمان در عصر غیبت ظهور ندارند؛ اما حضور دارند. در این زمان، دسترسی مردم به امام عصر به سادگی نیست و امام به‌طور ناآشنا در بین افراد جامعه زندگی می‌کنند.

با توجه به این مسئله می‌توان گفت، آن دسته از وظایف امام معصوم که به حضور امام در جامعه و ارتباط مستقیم مردم با ایشان نیاز دارد، در زمان غیبت توسط خود امام معصوم انجام نمی‌شود؛ اما آن دسته از وظایف امام که به حضور مستقیم و آشکار امام در جامعه نیاز ندارد، در زمان غیبت هم توسط خود امام معصوم انجام می‌پذیرد.

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۶۸-۱۷۴.

۲. نعمانی، الغیبه، ص ۱۴۴.

از جمله وظایفی که در دوره غیبت، از عهده امام معصوم برداشته شده، مسئله «خلافت ظاهری» است. در توقیع شریف امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف که در جواب اسحاق بن یعقوب صادر شده، این گونه آمده است:

«وَأَمَّا الْخَوَادِثُ الْوَأَقَعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ؛^۱ و اما درباره مسائلی که پیش می آید پس در آن ها به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ زیرا ایشان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر ایشانم.»

بنابراین، مشخص می شود که وظیفه تشکیل حکومت و ولایت ظاهری در دوره غیبت بر عهده امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نمی باشد. همچنین نیاز تشکیل حکومت به حضور فیزیکی و آشکار شخص حاکم نیز از دیگر دلایل این مطلب می باشد.

از دیگر وظایفی که در دوره غیبت از عهده امام معصوم برداشته شده، مسئله «مرجعیت علمی و تبیین معارف و آیات قرآن» می باشد که این امر نیز با توجه به آشکار نبودن امام در جامعه و عدم امکان دسترسی آسان به ایشان به دست می آید. این وظیفه در دوران غیبت بر عهده نایبان عام امام معصوم و علمای دین قرار داده شده است.

اما براساس آنچه در معنای غیبت گفته شد، در دوره غیبت امام در جامعه حضور دارد و برخی از وظایف امامت در دوره غیبت نیز جاری است؛ وظایفی مانند هدایت باطنی (تکوینی)^۲، واسطه فیض بودن^۳، پاسداری از دین و حمایت از شیعیان^۴ در دوره غیبت نیز جاری است و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف این وظایف را عهده دار هستند. همان طور که گفته شد، تربیت معصومان در قالب هدایت انجام می شود و می توان از نقش تربیتی معصومان به نقش هدایتی نیز تعبیر کرد.

۱. طبرسی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۷.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲.

۳. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۷۹.

۴. طبرسی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۹۷.

بنابراین، می‌توان گفت نقش تربیتی امام معصوم نیز در دوره غیبت پابرجا است و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با شیوه‌های مختلف به تربیت افراد و جامعه می‌پردازند. در ادامه به بررسی این نقش و شیوه‌های آن در دوره غیبت پرداخته می‌شود.

شیوه‌های تربیتی امام در عصر غیبت

در دوران غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به رغم این که ارتباط ظاهری و مستقیم شیعیان با حضرت قطع شده است؛ امام همچنان نقش مؤثر و فعال خود را انجام داده و وظایفی را که اشاره شد، عهده‌دار هستند. امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مانند دیگر ائمه علیهم السلام، نقش تربیتی و هدایت‌گری را نسبت به شیعیان عهده‌دار بوده و با شیوه‌های خاصی که متناسب با دوره غیبت است، به تربیت افراد و جامعه می‌پردازند. برخی از شیوه‌های تربیتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوره غیبت عبارتند از:

الف) هدایت تکوینی و باطنی؛ جلوه‌ای از استمرار هدایت امام

امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دارای ولایت باطنی هستند و این ولایت، با آشکار بودن یا غایب بودن ایشان ارتباطی ندارد. امام معصوم به عنوان واسطه فیض الهی، سبب متصل بین خداوند متعال و مخلوقات می‌باشد و اگر یک لحظه این وساطت از بین برود، نظام عالم مختل می‌شود.^۱ بر همین اساس، آن حضرت، ولایت تکوینی نسبت به عالم دارند و توسط همین ولایت به هدایت تکوینی افراد می‌پردازند.

همان گونه که پیش‌تر اشاره شد، این نوع هدایت، به معنای دست‌گیری و رساندن افراد به کمال می‌باشد. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با ولایت تکوینی خود در نفوس و جان افراد تصرف می‌کنند و آنان را به کمالات مختلف می‌رسانند. هنگامی که ابو خالد کابلی از امام باقر علیه السلام در مورد تفسیر آیه ﴿فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أُنْزِلَنَا﴾^۲ می‌پرسد؛ امام چنین پاسخ می‌دهد:

۱. ابن طاووس، الاقبال بالاعمال الحسنة، ج ۱، ص ۵۰۹.

۲. تغابن: ۸.

«ای اباخالد! به خدا سوگند که مقصود از نور، امامان آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باشند تا روز قیامت.

به خدا که ایشانند همان نور خدا که فرو فرستاده؛ به خدا که ایشانند نور خدا در آسمان‌ها و زمین. به خدا ای اباخالد! نور امام در دل مؤمنان از نور خورشید تابان در روز، روشن‌تر است. به خدا که ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام، دل‌های مؤمنان را منور می‌سازند و خدا از هر کس خواهد نور ایشان را پنهان می‌دارد. پس دل آن‌ها تاریک می‌گردد. به خدا ای اباخالد! بنده‌ای ما را دوست ندارد و از ما پیروی نکند، مگر این که خدا قلبش را پاکیزه کرده باشد و خدا قلب بنده‌ای را پاکیزه نکند مگر این که با ما خالص شده و آشتی کرده باشد و چون با ما سازش کرد، خدا از حساب سخت نگاهش می‌دارد و از هراس بزرگ روز قیامت ایمنش می‌سازد.»^۱

این نور، همان هدایت تکوینی است که امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَحْقِيقَهُ به وسیله آن بندگان شایسته خداوند را تربیت می‌کند و آنان را به کمالات الهی می‌رساند. البته باید توجه کرد که این نوع از تربیت و هدایت، به زمینه نیاز دارد و شامل همه افراد نمی‌شود. این نوع از تربیت، پاداشی ویژه است که بر اثر فراهم کردن زمینه آن توسط خود افراد، شامل حال آنان می‌شود. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ»^۲؛ و هر کس به خدا ایمان بیاورد، خدا قلبش را [به حقایق] راهنمایی می‌کند. در این جا خداوند ایمان را شرط هدایت قرار داده است؛ یعنی اگر افراد می‌خواهند از این هدایت بهره‌مند شوند، باید از قبل تلاش کنند و ایمان بیاورند تا خداوند نیز در پاداش به آنان هدایت دیگری را نصیب کند.

آیت‌الله جوادی آملی در زمینه با این نوع از هدایت می‌فرماید: «خدای سبحان هدایت اهل سلوک و عمل را افزایش می‌دهد که با آن، پیمودن بقیه راه آسان می‌شود و ممکن است به صورت کشش و جذبه‌ای ظهور کند که گاهی انسان آن را در درون خود می‌یابد و چنین گرایشی او را به کار نیک وا می‌دارد برخی از مراحل این هدایت تکوینی، شهود اسرار و حقایقی است که

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۹۴.

۲. تغابن: ۱۱.

باریافتگان به پایگاه رفیع شهود ملکوت از آن بهره‌مند می‌شوند؛ خود را در برابر گناه ایمنی بخشیده‌اند. قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام، رموز این حقایق را آشکار ساخته، معرفت آن را به انسان‌ها ارزانی می‌دارد؛ مثلاً در مورد خوراک اهل جهنم می‌فرماید: «فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ * وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينَ * لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ»^۲؛ اولیای الهی درون گناه را در این دنیا این‌گونه می‌بینند و از آن گریزانند و هرگز به آن دست نمی‌آیند.^۳

در عصر غیبت، هدایت‌تکوینی و تربیت‌نفوس مؤمنان از راه‌های مختلفی اتفاق می‌افتد. امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌و‌رحمه‌الشریف گاهی از طریق الهام، گاهی از طریق رؤیای صادقه و گاه به صورت ناشناس، نفوس مؤمنان را تربیت و هدایت می‌کنند. داستان معروف کمک امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌و‌رحمه‌الشریف به شیخ مفید در اصلاح فتوایی که داده بودند، نمونه‌ای از این هدایت و دست‌گیری می‌باشد.^۴

ب) نقش تربیتی امام در بستر امتحان و ابتلائات الهی

هرچند حضور امام معصوم و دسترسی آسان به ایشان بر تربیت افراد تأثیر زیادی دارد؛ غیبت ایشان و دسترسی نداشتن آسان به آن حضرت، می‌تواند در بستر امتحانات و ابتلائات الهی، زمینه‌ای مؤثر برای تربیت مؤمنان حقیقی باشد. غیبت امام، خود به عنوان میدان تربیتی و عامل رشد، می‌تواند باعث تربیت و رشد بیش‌تر افراد بشود. در دوره حضور امام در جامعه، مردم با دیدن ایشان و معجزات و کرامات آن حضرت به او ایمان می‌آورند؛ اما در زمان غیبت، مومنان باید با شناخت عقلانی و قلبی و معرفت درونی ایمان بیاورند. این مسئله، خود تقویت‌کننده «ایمان به غیب در مومنان» خواهد بود؛ ویژگی‌بی که خداوند آن را به عنوان اولین صفت اهل تقوا معرفی می‌کند: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَأْتُونَ

۱. لذا امروز در اینجا یار مهربانی ندارد. و نه طعامی جز از چرک و خون. غذائی که جز خطاکاران آن را نمی‌خورند. (الحاقه: ۶۹، آیات ۳۵ الی ۳۷).

۲. الحاقه: ۳۵-۳۷.

۳. جواد آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۱۶، ص ۴۹-۵۵.

۴. معلم، برکات حضرت ولی عصر، ص ۲۱۶.

همچنین دوره غیبت، دوره تمرین انتظار و آمادگی برای مؤمنان است و این مسئله، خود بر رشد و تربیت نفوس افراد تاثیرگذار است. این دوره با توجه به شبهات و سختی‌هایی که دارد، دوره امتحان و غربال افراد بوده و مؤمنان حقیقی از مؤمنان غیرحقیقی جدا می‌شوند. در روایتی از امام صادق (ع) چنین آمده است: «وَاللّٰهُ لَتُمَحِّصَنَّ، وَاللّٰهُ لَتُمَيِّزَنَّ، وَاللّٰهُ لَتُعَرِّبَنَّ حَتّٰى لَا يَبْقَىٰ مِنْكُمْ إِلَّا الْأَنْدَرُ...»^۲ به خدا قسم که در بوته آزمایش گداخته می‌شوید؛ به خدا قسم که از یکدیگر متمایز می‌شوید؛ به خدا قسم که غربال می‌شوید؛ چندان که از شما جز اندک‌ترین شمار باقی نماند. بنابراین، امتحان و ابتلا در زمان غیبت امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف)، به عنوان یکی از سنت‌های الهی، می‌تواند میدان مهمی برای تربیت و رشد نفوس مؤمنان باشد و نقش امام در این عرصه، هدایت و تقویت مؤمنان در مواجهه با این ابتلائات است.

ج) نقش نیابت و واسطه‌های دینی در هدایت و تربیت جامعه شیعی

یکی دیگر از سازکارهای استمرار هدایت امام عصر (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) در عصر غیبت، ارجاع شیعیان به فقها و علمای دین است. این روش که در دوره غیبت صغرا نیز جریان داشت، با اعتباردادن به فقها و علمای دین و ارجاع مردم به آنان صورت پذیرفت.

امام در دوره غیبت صغرا، افراد مشخصی را به عنوان «نایب خاص» خود انتخاب و به مردم معرفی کردند.^۳ همچنین برای دوره غیبت کبرا به طور عمومی مردم را به فقها و علمای دین‌شناس ارجاع داده و آنان را به عنوان حجت خود بر مردم معرفی کردند.^۴ این روش از تربیت توسط امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف)، ابزار پرورش علمی، دینی و اجتماعی جامعه شیعه به شمار می‌آید و در

۱. بقره: ۲ و ۳.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۱۶.

۳. کشی، رجال، ص ۵۸۰.

۴. طبرسی، الاحتجاج علی اهل الجاج، ج ۲، ۲۴۷۰.

رشد جمعی و اجتماعی شیعه، به عنوان یک اجتماع بسیار مهم و تاثیرگذار بوده است. در این روش، افراد جامعه شیعی در مسیر اجتهاد، تعقل و مسئولیت‌پذیری رشد کرده و به جای وابستگی مستقیم به منبع اصلی فهم دین، خود در جریان حیات دینی و تعقل دینی قرار گرفتند. علاوه بر آن، با اعتبار بخشی به علمای دین و فقها، نوعی نظم اجتماعی و رشد جمعی در بین شیعیان شکل گرفت. این ساختار اجتماعی و علمی، آثار فراوانی داشت، از جمله مقابله با انحرافات و بدعت‌ها، تربیت نخبگان دینی، نظم اجتماعی شیعیان. بنابراین، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با ارجاع مردم به علمای دین و فقها در زمان غیبت، علاوه بر حل مشکلات علمی مومنان و رفع شبهات آنان، زمینه رشد و تربیت اجتماعی جامعه شیعی را ایجاد کردند.

د) تربیت از طریق عنايات ویژه

یکی دیگر از جلوه‌های مورد گزارش از نقش هدایتگر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت، عنايات ویژه به برخی از مؤمنان است. این روش، گرچه عمومی نیست و تنها شامل حال برخی از خواص شیعیان می‌شود؛ در تربیت مؤمنان حقیقی نقش برجسته‌ای دارد. هرچند نمی‌توان ادعای عنایت ویژه توسط امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را از هر شخصی قبول کرد؛ در طول تاریخ غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مواردی وجود دارد که با توجه به قرائن و شواهد، می‌توان به درستی و صحت آن اعتماد کرد. در ادامه دو مورد از این عنايات ویژه بیان می‌شود:

الف. علامه سید مهدی بحرالعلوم، از جمله شخصیت‌هایی بود که عشق و ارادت واقعی نسبت به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در وجودش موج می‌زد و همواره به آن حضرت توسل می‌جست. در دوران تحصیل، با میرزای قمی هم درس بودند. میرزا نقل می‌کند: چون استعداد ایشان در آن زمان چندان برجسته نبود، معمولاً من مطالب درسی را برای او توضیح می‌دادم. سال‌ها بعد که به ایران بازگشتم و پس از مدتی توفیق زیارت عتبات عالیات نصیبم شد؛ سید بحرالعلوم را دیدم که آوازه علمی‌اش بسیار گسترده شده بود. وقتی با او ملاقات کردم، با عالمی روبه‌رو شدم که

گویی دریایی خروشان از دانش در وجودش جریان دارد. از سرّ این دگرگونی از وی پرسیدم؛ او در خلوت چنین روایت کرد: شبی به مسجد کوفه رفته بودم و حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را در حال عبادت دیدم؛ ایستادم و سلام دادم. پاسخ مرا با لطف دادند و فرمودند که جلوتر بیایم؛ کمی پیش رفتم اما از سر ادب ایستادم. بار دیگر امر کردند که نزدیک تر شوم؛ باز چند گامی برداشتم؛ سپس آن حضرت، آغوش خود را با مهربانی گشود و مرا در برگرفت و به سینه مبارکش چسبانده. در همان لحظه، آنچه را خداوند می خواست در قلب و جانم جای گیرد، در آن دیدار به من عطا شد.^۱

ب. مرحوم مقدّس اردبیلی از بزرگان برجسته شیعه بود. شاگردش، سید میرعلّام تفرشی این مطلب را از او نقل کرده است: شبی در تاریکی شب، استادم را دیدم که به طرف حرم مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام حرکت کرد. درب حرم به طور غیرعادی برای ایشان گشوده و ایشان داخل شد. من از دور، صدای گفت و گویی را شنیدم؛ هرچند جزئیات آن را نمی فهمیدم. پس از مدتی، استاد از حرم خارج و راهی مسجد کوفه شد. من نیز بی صدا دنبال ایشان رفتم. ایشان وارد محراب مسجد شد و باز هم صدایی از گفت و گویی مبهم به گوشم رسید. وقتی استاد در مسیر بازگشت به نجف قرار گرفت، متوجه حضور من شد. من ایشان را به حق حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام قسم دادم که حقیقت ماجرا را بیان کند. ایشان پس از گرفتن عهد از من که تا پایان عمر ایشان، این راز را نزد کسی فاش نکنم، فرمود: چند مسئله دشوار و پیچیده ذهنم را مشغول کرده بود و در یافتن پاسخ آن ها ناتوان مانده بودم؛ به همین دلیل، به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام متوسل شدم. ایشان مرا به فرزندشان، حضرت حجت بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف که امام زمان ماست، ارجاع دادند و فرمودند که ایشان اکنون در مسجد کوفه حضور دارند. به آن جا رفتم، پاسخ سؤالاتم را دریافت کردم، و اکنون به نجف بازمی گردم.^۲

۱. نوری، النجم الثاقب، ص ۴۷۳.

۲. همان، ص ۴۵۴.

بر همین اساس، می‌توان گفت یکی دیگر از روش‌های تربیتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت، عنایات ویژه به برخی از مؤمنان است. البته همان‌طور که گفته شد، این نوع از تربیت عمومی نبوده و فقط برخی از مؤمنان برجسته را شامل می‌شود.

انتظار فرج و کارکرد تربیتی آن در عصر غیبت

شیعه به وجود امامی موعود معتقد است که روزی خواهد آمد. بر همین اساس، معصومان علیهم السلام از همان ابتدا، شیعه را به انتظار فرج امام موعود تشویق کرده و آن را افضل اعمال دانسته‌اند: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أَفْضَلُ أَعْمَالٍ أُمِّي أَنْتَظَرُ الْفَرَجَ مِنْ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.^۱ انتظار، صرفاً نوعی حالت روحی نیست؛ بلکه سازکار تربیتی فعال در عصر غیبت است که در پرتو آموزه‌ها و هدایت‌های مهدوی، موجب خودسازی و اصلاحگری اجتماعی می‌شود. نقش تربیتی «انتظار فرج» در زمان غیبت از سوی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از دو ناحیه قابل بررسی است: ۱. خودسازی فردی؛ ۲. اصلاح‌گری اجتماعی.

خودسازی فردی، از روش‌های تربیتی اعتقاد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت است. این خودسازی فردی، هم از حیث اعتقادی است و هم از حیث رفتاری. ایمان به وجود موعود و انتظار فرج آن، برخاسته از اعتقادی راسخ است. در روایتی از امام صادق علیه السلام، نزدیک‌ترین حالت بنده به خدای متعال و چیزی که خدا را بیش‌تر از هر چیز دیگری راضی می‌کند؛ انتظار فرج در صبح و شام است؛ چرا که شخص منتظر معتقد است با وجودی که حجت خدا غایب است و جای ایشان معلوم نیست؛ حجت خدا باطل‌پذیر نیست و میثاق با او همچنان برقرار است.^۲ پس، انتظار فرج از حیث اعتقادی، این اثر تربیتی را دارد. از حیث رفتاری نیز در روایت علاوه بر انتظار فرج، به ورع و حسن خلق توصیه شده است. امام صادق علیه السلام در حدیثی، ضمن توصیه شیعیان

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۴.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۳.

به انتظار فرج حجت خدا، ایشان را به ورع و حسن خلق توصیه کردند: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ؛^۱ هرکس دوست دارد از یاران حضرت قائم باشد، باید انتظار داشته باشد و در همین حالت انتظار، به ورع و حسن خلق رفتار کند.» در کنار هم قراردادن انتظار فرج و توصیه به ورع و حسن خلق، نشان می‌دهد که انتظار فرج حضرت مهدی، بر تربیت افراد در زمان غیبت نقش موثری دارد.

یکی دیگر از جنبه‌های تربیتی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت از راه انتظار فرج، اصلاح‌گری اجتماعی است. تفاوت انتظار در مکتب اهل بیت با دیگر مکاتب این است که شیعه در انتظار طلوع شمس موجود است و دیگران منتظر ستاره معدوم.^۲ این نوع از انتظار، با اصلاح‌گری اجتماعی همراه است. شیعه دل به انتظار حضرت سپرده و در دل به ظهور چنین امامی امید دارد. شیعه معتقد است دیر یا زود، صالحان، حاکمان زمین خواهند بود و حق به صاحبانش برمی‌گردد. با ظهور حضرت، ستم و بیداد از جامعه محو و امر جامعه اصلاح می‌شود. چنین شخص منتظری، در اصلاح جامعه خواهد کوشید، تا زمینه ایجاد و تشکیل آن دولت کریمه را فراهم آورد.^۳

انتظار فرج امام زمان در دوره غیبت، این اثر تربیتی را دارد که شخص، هم به دنبال خودسازی و هم به دنبال دیگرسازی است. آیت الله جوادی آملی با اشاره به روایت حضرت حجت که فرمودند: «عَلَيْكُمْ بِالذَّعَاءِ وَ انْتِظَارِ الْفَرَجِ؛^۴ بر شما باد به دعا و انتظار فرج»؛ معتقد است که اگر دعا به جنبه فردی ناظر باشد، انتظار فرج به هر دو جنبه فردی و اجتماعی ناظر است^۵ و این همان

۱. النعمانی، الغیبه، ص ۲۰۰.

۲. جوادی آملی، امام مهدی موجود موعود، ص ۱۶۵.

۳. همان، ص ۱۸۴.

۴. سید ابن طاووس، مهج الدعوات، ص ۳۳۲.

۵. جوادی آملی، امام مهدی موجود موعود، ص ۱۸۴.

نقش تربیتی انتظار، در دوره غیبت است.

بنابراین، انتظار فرج در عصر غیبت را نباید صرفاً نوعی حالت روحی و یا انتظار منفعلانه برای ظهور دانست، بلکه در منظومه آموزه‌های مهدوی، یکی از مهم‌ترین سازکارهای تربیتی است که می‌تواند با تقویت ایمان، امید، ورع، حسن خلق و احساس مسئولیت؛ زمینه خودسازی فردی و اصلاح اجتماعی را فراهم سازد. از این منظر، نقش تربیتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عرصه انتظار، نه به معنای اعمال مستقیم انتظار به عنوان روشی تربیتی، بلکه از طریق هدایت و جهت‌دهی به فرهنگ انتظار و تبیین شاخص‌های منتظر حقیقی قابل تحلیل است؛ به گونه‌ای که انتظار حقیقی، فرد را برای رشد معنوی، اصلاح رفتار و ایفای مسئولیت اجتماعی در عصر غیبت آماده می‌سازد.

نتیجه‌گیری

از دیدگاه شیعه، امام معصوم جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و خلیفه الهی بر روی زمین است و وظایف او همان وظایف پیامبر است، به جز دریافت وحی تشریعی. این وظایف در چند محور اصلی هدایت‌گری، مرجعیت علمی و تعلیم دین و تربیت و رشد معنوی انسان‌ها قابل دسته‌بندی است. در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، امام معصوم حضور ظاهری ندارد؛ نقش خود را در تربیت و هدایت امت از طریق راه‌های غیرمستقیم ایفا می‌کند.

یکی از عرصه‌های تربیت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در غیبت، تربیت از طریق هدایت تکوینی و باطنی است. امام معصوم به عنوان واسطه فیض، سبب متصل بین خداوند متعال و مخلوقات است و اگر یک لحظه این وساطت از بین برود، نظام عالم نیز مختل می‌شود. این همان تربیت از طریق هدایت تکوینی و باطنی است.

نقش تربیتی امام در بستر امتحان و ابتلائات الهی، از دیگر عرصه‌های استمرار هدایت ایشان در عصر غیبت است. غیبت امام، خود به عنوان میدان تربیتی و عامل رشد می‌تواند باعث تربیت

و رشد بیش‌تر افراد شود. در دوره حضور امام در جامعه، مردم با دیدن ایشان و معجزات و کرامات آن حضرت، به او ایمان می‌آورند؛ اما در زمان غیبت، مومنان باید با شناخت عقلانی و قلبی و معرفت درونی ایمان بیاورند.

از دیگر سازکارهای استمرار هدایت و تربیت در عصر غیبت، ارجاع شیعیان به فقها و علمای دین و نیابت عام ایشان است. این شیوه با اعتباردادن به فقها و علمای دین و ارجاع مردم به آنان صورت پذیرفت. در این روش جامعه شیعی در مسیر اجتهاد، تعقل و مسئولیت‌پذیری رشد می‌کند و به جای وابستگی مستقیم به منبع اصلی فهم دین، خود در جریان حیات دینی و تعقل دینی قرار می‌گیرد.

تربیت از طریق عنایات ویژه، چهارمین راه تربیت امت توسط امام زمان در عصر غیبت است. این عنایات، گاهی به علمای شیعه صورت گرفته است.

انتظار فرج نیز یکی از مهم‌ترین سازکارهای تربیتی در منظومه مهدوی عصر غیبت است. شیعه در این زمان، با ایجاد انتظار حقیقی در خود، علاوه بر خودسازی، به دیگرسازی و اصلاح جامعه می‌پردازد و این همان تربیت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از طریق انتظار حقیقی است.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، **الغیبة للنعمانی**، محقق: غفاری، علی اکبر، نشر صدوق، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۷ق.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی، **الإقبال بالأعمال الحسنة**، محقق: قیومی اصفهانی، جواد، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، قم، ۱۳۷۶.
۳. _____، **مهج الدعوات و منهج العبادات**، محقق: کرمانی، ابوطالب و محرر، محمد حسن، دار الذخائر، چاپ اول، قم، ۱۴۱۱ق.
۴. بحرانی، هاشم بن سلیمان، **البرهان فی تفسیر القرآن**، موسسه البعثة قسم الدراسات الإسلامية، چاپ اول، قم، ۱۱۰۷ق.
۵. جوادی آملی، عبدالله، **امام مهدی موجود موعود**، مرکز نشر اسراء، چاپ سیزدهم، قم، ۱۳۹۶.
۶. _____، **تفسیر موضوعی قرآن کریم**، (هدایت در قرآن)، مرکز بین المللی نشر اسراء، قم، ۱۳۸۵.
۷. حلّی، حسن بن یوسف، **منهاج الکرامه فی معرفه الإمامه**، موسسه عاشوراء، چاپ اول، مشهد، ۱۳۷۹.
۸. زبیدی، محمد بن محمد، **تاج العروس من جواهر القاموس**، دار الفکر، بیروت، ۱۳۷۳ق.
۹. سبحانی، جعفر، **محاضرات فی الالهیات**، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ یازدهم، قم، ۱۴۲۸ق.
۱۰. _____، **منشور عقاید امامیه**، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ دهم، قم، ۱۴۰۰ق.
۱۱. شریف الرضی، محمد بن حسین، **نهج البلاغه**، محقق: صبحی صالح، چاپ هجرت، قم،

۱۴۱۴ق.

۱۲. شوشتری، نورالله بن شریف الدین، *مجالس المؤمنین*، انتشارات اسلامیه، تهران، ۱۳۷۷.

۱۳. صدوق ابن بابویه، محمد بن علی، *کمال الدین و تمام النعمه*، اسلامیه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۵ق.

۱۴. صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم*، محقق: کوچه باغی، محسن بن عباسعلی، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چاپ دوم، قم، ۱۴۰۴ق.

۱۵. طباطبائی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، بیروت، ۱۳۹۰ق.

۱۶. _____، *شیعه در اسلام*، بوستان کتاب، چاپ پنجم، قم، ۱۳۸۸.

۱۷. طبرسی، احمد بن علی، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، محقق: محمدباقر خراسان، نشر مرتضی، چاپ اول، مشهد، ۱۴۰۳ق.

۱۸. طوسی، محمد بن الحسن، *الغیبة*، محقق: عباد الله تهرانی و علی احمد ناصح، دار المعارف الإسلامية، چاپ اول، قم، ۱۴۱۱ق.

۱۹. قمی، عباس، *مفاتیح الجنان*، ترجمه: موسوی دامغانی، انتشارات الهادی، چاپ سی و چهارم، قم، ۱۳۹۱.

۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، المحقق: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، تهران، ۱۴۰۷ق.

۲۱. کشی، محمد بن عمر، *رجال الکشی* (إختیار معرفة الرجال)، محقق: محمد بن الحسن طوسی، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، چاپ اول، مشهد، ۱۴۰۹ق.

۲۲. مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۰۳ق.

۲۳. مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار**، صدرا، چاپ هشتم، قم، ۱۳۷۲.
۲۴. معلم، سید جواد، **برکات حضرت ولی عصر** عجل الله تعالی فرجه الشریف، انتشارات تکسوار حجاز، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، دار الکتب الإسلامية، چاپ دهم، تهران، ۱۳۷۱.
۲۶. نوری، میرزا حسین، **نجم الثاقب**، انتشارات آستان مقدس صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ دوم، قم، ۱۴۱۲ ق.
۲۷. _____، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، مؤسسة آل البيت عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ اول، قم، ۱۴۰۸ ق.